

نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های ایران

سویس در حال بحث و بررسی بوده و نتیجه نهایی آن در سال ۲۰۰۲ میلادی ابلاغ خواهد شد.

● بحران بانکی

بحران‌های بانکی تاریخچه‌ای طولانی دارد، لیکن عمده‌ترین و گسترده‌ترین آن‌ها به دهه ۱۹۲۰ میلادی (سال‌های رکود آمریکا) مربوط می‌شود. (۲) از آن پس، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نیز بسیاری از کشورها به دلیل آزادسازی نظام مالی خویش، با این پدیده مواجه شده‌اند. به طور کلی، بحران بانکی به صورت هجوم سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌هایشان

کمیته بال سویس در سال ۱۹۹۷ نیز استانداردهای کفایت سرمایه بانک‌ها را بدون ایجاد تغییر در نحوه محاسبه، مجدداً با همان ترتیب قبلی منتشر کرد.

به موجب تفاهم نامه سال ۱۹۸۸ و گزارش سال ۱۹۹۷ کمیته بال سویس در زمینه ارایه معیارهای کفایت سرمایه، کشورهای عضو OECD از یک سری امتیازات بهره‌مند بودند. برای مثال، چنانچه بانکی در ترکیب دارایی‌های خویش از اوراق قرضه منتشره دولت‌های عضو OECD استفاده می‌کرد، برای این گروه از دارایی‌ها ضریب ریسک صفر درصد در نظر گرفته می‌شد.

امروزه استفاده از معیارهای رتبه‌بندی در تعیین ضرایب ریسک دارایی‌ها، توجه صاحب‌نظران بانکی را به خود جلب نموده و کمیته بال سویس را بر آن داشته است تا یک بازنگری اساسی در معیارهای گذشته خود انجام دهد. دلیل این امر آن است که رتبه‌بندی اعتباری هر کشور که توسط مؤسسات معتبر رتبه‌بندی صورت می‌گیرد، معیار مناسبی برای ارزیابی اعتبار کشور مربوطه یا مؤسسات مالی آن به شمار می‌آید. بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت کشورها، بنیه مالی بانک‌ها و درجه ریسک انواع اوراق بهادار منتشره از جمله مواردی هستند که توسط شرکت‌های رتبه‌بندی، ارزیابی شده و ارزش اعتباری آنها مشخص می‌شود. نتایج حاصله برای سرمایه‌گذاران در سطح جهان ارزشمند بوده و مبنای تصمیم‌گیری آنها قرار می‌گیرد.

در حال حاضر، نظریات جدید کمیته بال

این متن، قسمت‌های برگزیده‌ای از مقاله «پسپاه کردن ضوابط نظارتی کمیته بال در بانکداری اسلامی» است که توسط خانم مهناز بهرامی در یازدهمین همایش بانکداری اسلامی ارایه شد. علاقمندان به این مساله می‌توانند به متن کامل مقاله در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش مزبور مراجعه کنند.

بانک و اقتصاد

● اشاره

موقعیت ضعیف سرمایه بانک‌های عمده بین‌المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ و نیز وجود اختلافات در سطح بین‌المللی در زمینه تعریف سرمایه و مقررات کفایت سرمایه، کمیته (۱) مقررات بانکداری و نظارت بر عملیات بانکی را که در بانک تسویه بین‌المللی، واقع در شهر بال سویس فعالیت می‌کند، بر آن داشت تا به انعقاد توافقنامه‌ای در مورد استانداردهای کفایت سرمایه پرداخته و در ژوئن ۱۹۸۸ آن را به بانک‌های فعال بین‌المللی معرفی نماید.

امروزه برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها و موسسات اعتباری از یکسری شاخص‌های مالی استفاده می‌شود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن اجازه می‌دهد هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی‌های خود را داشته باشد.

نسبت کفایت سرمایه عبارت است از نسبت سرمایه بانک به دارایی‌های توأم با ریسک آن، و این نسبت بر اساس مقررات موجود نباید از ۸ درصد کمتر باشد.

○ در طول ۱۵ سال گذشته، بحران‌های بانکی در کشورهای در حال توسعه به صورتی غیرعادی، مستتارب و شدید به وقوع پیوسته‌اند.

متجلی شده و بانک را در معرض ورشکستگی قرار می‌دهد. گذشته از مساله فرار سپرده‌ها، افزایش مطالبات معوق یک بانک نیز سبب می‌شود تا بانک مذکور از نظر مالی ضعیف شده و قادر به ایفاء تعهدات خویش نگردد. (۳) هنگامی که بحران بانکی ادامه یافته و شدیدتر شود، بحران سیستمیک به وجود می‌آید. این بحران باعث اختلال در نظم بازارهای مالی شده و اثرات مخربی روی بخش واقعی اقتصاد خواهد داشت. یک بحران سیستمیک مالی حتی ممکن است بحران پولی (۴) را نیز ایجاد کند. بحران سیستمیک در نهایت سیستم پرداخت‌های

● آیا دستیابی به نسبت مطلوب کفایت سرمایه برای بانک‌های تجاری و تخصصی در ایران امکان‌پذیر است؟

شکل و ساختار سرمایه پرداخت شده در بانک‌های خصوصی سایر کشورها و بانک‌های دولتی در ایران متفاوت است. در کشورهایی که نرخ بهره به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بانک‌ها می‌توانند از ترکیب‌های متنوعی در پرتفوی سرمایه خویش استفاده کنند، زیرا به کمک مکانیزم نرخ بهره می‌توانند نسبت به جلب سهامداران جدید برای افزایش سرمایه اقدام نمایند. ابزارهای سرمایه‌ای دو منظوره (بدهی - سرمایه) و بدهی مدت‌دار فرعی از این قبیل می‌باشند، که حامل نرخ بهره بوده و هنگام بروز زیان، به کاهش ریسک بانک کمک می‌کنند. چنین ابزارهایی در نظام بانکی ایران وجود ندارد و این امر نه تنها به دلیل حذف بهره از سیستم بانکی در ایران است، بلکه دولتی بودن بانک‌ها نیز سبب می‌شود تا انواع سهام عادی و ممتاز که در سرمایه بانک‌های خصوصی سایر کشورها وجود دارند، در سرمایه بانک‌های ایران جایی نداشته باشند. مقدار سرمایه اولیه پرداخت نشده بانک‌های ایران در مقایسه با ارقام دارایی‌ها بسیار ناچیز بوده و قدرت پوشش ریسک بانک‌ها در صورت مواجه شدن با بحران را نخواهد داشت.

همچنین، دولت با بکارگیری تسهیلات تکلیفی، از منابع سیستم بانکی استفاده می‌کند. افزایش حجم تسهیلات تکلیفی که در قالب تبصره‌های بودجه به بانک‌ها تحمیل می‌شود، باعث کاهش دستیابی بخش غیردولتی به منابع مالی می‌شود، زیرا بخش عمده تسهیلات بانک‌ها به صورت تکلیفی به شرکت‌ها و موسسات دولتی پرداخت می‌شود. افزایش مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک‌ها از یک سو و پایین بودن نرخ سود بانکی از سوی دیگر، باعث افزایش مطالبات معوق و سررسید گذشته می‌شود. یکی از علل عمده کاهش نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها معلول برداشت‌های مستمر

شده است (جدول شماره یک).

بررسی دیگری که اخیراً توسط Honohan (۱۹۹۶) صورت گرفته، نشان می‌دهد که هزینه‌های تصویب شده بحران‌های بانکی در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال انتقال از سال ۱۹۸۰ به بعد، به حدود ۲۵۰ میلیارد دلار رسیده است. کشورهای صنعتی نیز اگر چه با بحران‌های بانکی روبرو شده‌اند، لیکن این شدت در مقایسه با کشورهای در حال توسعه (نسبت به GDP) کمتر بوده است. اسپانیا بین سال‌های ۸۵-۱۹۷۷، فنلاند، نروژ و سوئد در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، و اخیراً ژاپن با مشکل مطالبات معوق، نمونه‌هایی از این قبیل می‌باشند. در طول ۲۵ سال گذشته تناوب وقوع بحران‌های بانکی میان اقتصادهای نوظهور و کشورهای صنعتی کوچکتر در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیشتر از دهه ۱۹۷۰ بوده است.

جدول شماره یک

بحران‌های بانکی طی سال‌های ۹۶-۱۹۸۰

کشور (زمان بحران)	جمع زیان‌ها نسبت به GDP (درصد)
آمریکای لاتین	
آرژانتین (۸۲-۱۹۸۰)	۵۵
شیلی (۸۳-۱۹۸۱)	۴۱
ونزوئلا (۹۵-۱۹۹۴)	۱۸
مکزیک (۱۹۹۵)	۱۲-۱۵
آفریقا	
بنین (۹۰-۱۹۸۸)	۱۷
موریتانی (۹۳-۱۹۸۴)	۱۵
سنگال (۹۱-۱۹۸۸)	۱۷
تانزانیا (۹۵-۱۹۸۷)	۱۰
کشورهای در حال انتقال	
بلغارستان (دهه ۱۹۹۰)	۱۴
لهستان (۱۹۹۵)	
کشورهای صنعتی	
اسپانیا (۸۵-۱۹۷۷)	۱۷
ژاپن (دهه ۱۹۹۰)	۱۰

ماخذ:

CAPRIO AND KINGEBIEL(1996)

داخلی را نیز مختل می‌کند.

بررسی بحران‌های بانکی در سال‌های اخیر نمایانگر یک نتیجه مهم است: (۵) در طول ۱۵ سال گذشته، این بحران‌ها در کشورهای در حال توسعه به صورتی غیرعادی، متناوب و شدید بوده‌اند.

علت وقوع بحران بانکی در کشورهای فوق

به سه دلیل عمده زیر مربوط می‌شود:

الف - بانک‌های کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی، در یک محیط مترازل تر فعالیت می‌کنند.

ب - فقر سیستم‌های اطلاعاتی سبب می‌شود تا اعتبار مشتریان بانک‌ها و کیفیت جریان وام‌ها چندان شفاف نباشد.

پ - نظام نرخ ارز، اغلب مواقع سبب ایجاد بحران‌های پیچیده شده و دارای اثرات بازدارنده می‌باشد.

گذشته از موارد فوق، مالکیت سنگین دولت روی شبکه بانکی، کیفیت پایین دارایی‌ها و عملیات ذخیره‌گیری و فشارهای سیاسی شدید

○ نسبت کفایت سرمایه یکی از مهمترین شاخص‌های مالی است که برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها و موسسات اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای قانونگذاری از جمله عوامل ایجادکننده بحران محسوب می‌شوند.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته، ۷۳ درصد از کشورهای عضو IMF، حداقل یک بار مشکلات قابل ملاحظه‌ای در بخش بانکی را تجربه کرده‌اند. در آفریقا، آسیا و اقتصادهای در حال انتقال اروپای مرکزی و شرقی، این رقم به بیش از ۹۰ درصد افزایش می‌یابد.

به دلیل شدت بحران بانکی، زیان‌های بانک یا هزینه‌های کاربرد بنگاه‌های عام‌المنفعه در حداقل یک دوجین از کشورهای در حال توسعه مورد بررسی، به ۱۰ درصد یا بیشتر GDP بالغ



دولت از منابع بانکی تحت عنوان تسهیلات تکلیفی است.

بنابراین، برای دستیابی به یک نسبت بهینه مطلوب کفایت سرمایه، باید استفاده از منابع بانکی توسط دولت متوقف شود، یا تحت شرایط مقررات اقتصادی و قوانین پولی و بانکی انجام پذیرد.

● راه‌های دستیابی بانک‌ها به نسبت مطلوب کفایت سرمایه در ایران

(۱) افزایش سرمایه پرداخت شده: اضافه کردن رقم تجدید ارزیابی دارایی‌ها به سرمایه پرداخت شده اولیه راه‌حل اصلی نبوده و حتی بر اساس دستورالعمل کمیته بال می‌بایست از رقم اولیه کسر شود. لذا در این رابطه مقرر شده است که طی برنامه عمرانی سوم مبلغ ۵۰۰۰ میلیارد ریال از طریق فروش اوراق مشارکت به حساب سرمایه بانک‌ها افزوده شود. این امر تا حدی می‌تواند به بهبود نسبت کفایت سرمایه بانک‌های ایران بینجامد. گذشته از این امر، تحقیق و مطالعه برای ایجاد ابزارهای جدید در ترکیب سرمایه بانک‌های ایران، می‌تواند باعث افزایش سرمایه پرداخت شده گردد.

(۲) اکثر بانک‌ها در سال‌های مورد بررسی با زیان مواجه می‌باشند. یافتن راه‌هایی برای افزایش سودآوری بانک‌ها می‌تواند به اصلاح این وضع کمک کند. راه‌هایی از قبیل افزایش نرخ سود تسهیلات بانک‌ها و یا کاهش مطالبات معوق و سررسید گذشته (که وجود این قبیل مطالبات باعث افزایش زیان بانک‌ها می‌شود) از جمله راه‌های پیشنهادی محسوب می‌شود.

(۳) افزایش ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول اگرچه بانک‌ها را در زمینه پوشش ریسک مطالبات معوق یاری می‌دهد، لیکن چون سرمایه درجه دو نباید از سرمایه درجه یک بیشتر شود، لذا افزایش این گروه از ذخایر تا زمانی که سرمایه درجه یک اضافه نشود، به حل مشکلات کمکی نمی‌کند.

(۴) کاهش و توقف استفاده دولت از منابع بانکی در قالب تسهیلات تکلیفی می‌تواند امکانات بانک‌ها را بیشتر از گذشته در اختیار

بخش غیردولتی قرار دهد (به شرط آنکه طرح‌های موردنظر از نظر فنی، مالی و اقتصادی از توجیه کافی برخوردار باشند) یا به عبارت دیگر، اختیارات بانک‌ها در تنظیم ترکیب دارایی‌های خویش افزایش یابد.

(۵) تقویت نظارت بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌ها به گونه‌ای که باعث افزایش کارایی آنها شود.

(۶) ایجاد رقابت سالم میان بانک‌ها، تا بتوانند برای کسب سود بیشتر و جلب رضایت مشتری با بازارهای مالی و بانک‌های دنیا ارتباط

○ افزایش سرمایه پرداخت شده،
افزایش سودآوری، افزایش ذخیره
مطالبات مشکوک‌الوصول، کاهش
تسهیلات تکلیفی، تقویت نظارت
بانک مرکزی، ایجاد رقابت سالم،
تجدید سازماندهی بانک‌ها و
راه‌اندازی بازار پولی از جمله
راهکارهای معطوف به مطلوبیت
نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های
ایران به شمار می‌آیند.

برقرار کنند. تأسیس شعب بانک‌های خارجی در داخل برای ایجاد محیطی رقابتی برای بانک‌های داخلی نیز می‌تواند از یکسو در جذب سرمایه به داخل کشور مؤثر باشد و از سوی دیگر، ترکیب پرتفوی بانک‌های داخلی را بهبود بخشد. این امر در نهایت به کاهش اتکالی بانک‌ها به کمک‌های بانک مرکزی خواهد انجامید.

(۷) تجدید سازماندهی بانک‌ها در زمینه‌های مختلف مدیریتی و بهره‌گیری از دانش جدید بانکداری نیز می‌بایست در مدنظر قرار گیرد. در این میان، ایجاد مدیریت قوی نظارتی در هر یک از بانک‌های تجاری و تخصصی جهت کنترل اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی می‌تواند به تخصیص بهینه منابع بانک کمک نماید.

(۸) راه‌اندازی بازار پولی و افزایش ارتباط بین بانکی سبب می‌شود تا امکان دسترسی به منابع کوتاه‌مدت پولی برای بانک‌ها و سایر

مؤسسات مالی حقیقی و حقوقی فراهم شود. در این رابطه، نظم و هماهنگی در زمینه استفاده از منابع مؤسسات مختلف مالی همانند بیمه و مؤسسات اعتباری غیربانکی نیز بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر، این قبیل مؤسسات نیز وجوه خود را برای استفاده دیگران وارد این بازار خواهند کرد.

زیرنویس‌ها

(۱) کمیته مذکور از نمایندگان بانک‌های مرکزی و مقامات مسؤول کشورهای گروه ۱۰ (بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان، آمریکا و لوکزامبورگ) تشکیل شده است.

(۲) با شروع رکود دهه ۱۹۲۰، بحران‌های بانکی با کیفیتی متفاوت از گذشته (که ورشکسته شدن یک یا دو بانک بود) پدیدار شدند، به طوری که با کاهش شدید نرخ‌های بهره در سال ۱۹۲۲، ورشکستگی گسترده‌ای در شبکه بانکی اروپا و آمریکا به وقوع پیوست که تا اواخر دهه مورد بحث ادامه یافت.

(۳) کاهش جهانی قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ سبب ورشکستگی بسیاری از بانک‌های اروپا و آمریکا گردید (طبق گزارش شرکت FDIC در این سال ۱۳۰ بانک در آمریکا ورشکست شدند) زیرا بسیاری از بانک‌هایی که در دهه ۱۹۷۰ میلیاردها دلار به کشورهای در حال توسعه (در زمینه‌های انرژی) وام داده بودند، به دلیل پایین آمدن قیمت نفت که افزایش مطالبات معوق آنها را در پی داشت، در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند.

(۴) بحران پولی (Currency crisis) هنگامی به وقوع می‌پیوندد که سفته بازی روی پول خارجی سبب کاهش شدید ارزش پولی ملی شود. در این صورت، مقامات پولی ناگزیر می‌شوند تا مبالغ عمده‌ای از ذخایر خارجی را استفاده نموده و ارز بفروشند یا نرخ‌های بهره را سریعاً افزایش دهند.

5. Goldstein Morris/ The case for an international Banking Standard/ Institute for International Economics/ April 1997.

